



بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقية الله فى الارضين.

جوانان عزیز، فرزندان عزیز من، کسانی که آینده‌ی کشور متعلق به شما است! خیلی خوش‌آمدید. شما به معنای واقعی کلمه صاحبان و گردانندگان و مدیران آینده‌ی این کشور هستید. هر فهم شما، هر تصمیم شما، هر اقدام شما که امروز در تشکیل شخصیت شما تأثیرگذار باشد، به معنای تأثیرگذاری در آینده‌ی این کشور است و این نکته‌ی بسیار مهمی است.

درباره‌ی «راهیان نور»، بحمدالله این حرکت موفق - که چند سالی است در کشور راه افتاده و روزبه‌روز بحمدالله توسعه پیدا کرده است - یکی از جلوه‌های پاسداشت دوران دفاع مقدس است. دوران دفاع مقدس را حقیقتاً بایستی گرامی شمرد، عزیز شمرد و پاسداری کرد، چون آن هشت سال - هشت سال دفاع مقدس - تضمین‌کننده‌ی حیثیت کشور و هویت ملت و امنیت فعلی و عزت ملت ایران شد. هرچه می‌توانید در این زمینه مطالعه کنید، دقت کنید، پیگیری کنید، مطمئنأً به این نتیجه خواهید رسید که اگر این هشت سال دفاع مقدس با آن خصوصیات در این قطعه‌ی از تاریخ کشور ما وجود نداشت، امروز کشور ما و ملت ما مطمئنأً نه از عزت، نه از امنیت، نه از سلامت، نه از استقلال و نه از آزادی برخوردار نبود. آن هشت سال - هشت سال بظاهر جنگ و فشار و ترس و هول و مشکلات فراوان - در باطن خود یک نعمت الهی بود؛ یکی از الطاف خفیه‌ی الهی بود که به این کشور و این ملت عطا شد. اینها چیزهایی است که باید شما خودتان بروید دنبال کنید، تحقیق کنید؛ و مطمئنأً هرکسی که یک تحقیق درست و کاملی در این زمینه بکند، به همین نتیجه می‌رسد. خب، این دوران را بایستی ما پاسداری کنیم، گرامی بداریم و عزیز بداریم. این اقتداری که امروز ملت ما و کشور ما دارد، محصول آن دفاع مقدس و آن هشت سال زرین در تاریخ کشور ما و در قطعه‌ی خاص تحقق و حدوث (۲) خود است؛ ما باید آن قطعه‌ی نورانی را زنده نگه داریم.

امروز انگیزه‌هایی وجود دارد از سوی دشمنان این ملت برای به فراموشی سپردن دوران دفاع مقدس؛ تلاش میکنند برای این کار، که یا آن را به فراموشی بسپرنند یا آن را زیر سؤال ببرند یا بدنامش کنند. امروز به وسیله‌ی قدرتمندان دشمن ایران برای این کار پول خرج میشود برای اینکه آن را به فراموشی بسپرنند. کاری که شما دارید میکنید، یک مبارزه‌ی مردمی عظیمی است در مقابل کاری که دشمن میکند. تاریخ و دوران دفاع مقدس، یک ذخیره است که از این ذخیره بایستی برای پیشرفت کشور، برای رشد ملّی، برای آمادگی در میدانهای فراوانی که هر ملّتی در مقابل خود دارد، استفاده کرد.

خب، حرف در مورد دفاع مقدس خیلی زیاد است؛ این را به شما عرض بکنم. تا امروز کتاب نوشته‌اند، خاطره نوشته‌اند، فیلم ساخته‌اند، بسیاری‌اش هم بسیار خوب و واقعاً ارزشمند [است]، اما ابعاد گوناگونی در مسئله‌ی دفاع مقدس هست که هنوز ناگفته است، هنوز تحقیق نشده است، هنوز کار نشده است، بکر مانده است. من به دو قسمت از این ابعاد گوناگون، امروز برای شما جوانان عزیز یک اشاره‌ی کوتاه میکنم: یک قسمت مربوط به عامل این جنگ و آن علتی که موجب شد ایران مورد این تهاجم قرار بگیرد؛ دوم، کیفیت دفاع جمهوری اسلامی و ملت ایران در این جنگی که بر او تحمیل شده بود. عرض کردم، مجموعه‌ش را که نگاه میکنید، این جنگ تحمیلی، این دفاع، آن بدخواهی‌ها، آن خباثتها که از طرف دشمن انجام گرفت، آن شجاعتها، آن مظلومیتها که از طرف ملت ایران صورت



گرفت، همه‌ی اینها درمجموع یک لطف الهی بود، اما بالاخره اینها بایستی تحلیل بشود، باید شناخته بشود؛ این دو نقطه را من امروز خیلی مختصر برای شما جوانان عزیز عرض میکنم.

نقطه‌ی اول این است که عامل ایجاد این جنگ چه بود؟ چطور شد که ناگهان ملت ایران که به این همسایه‌ی غربی خود کاری نداشت، تعرضی نداشت، مورد تهاجم قرار گرفت و این تهاجم هشت سال طول کشید؛ علت چه بود؟ علت، عظمت انقلاب بود، اُبّهت انقلاب بود. وقتی انقلاب اسلامی به وجود آمد، عظمت این انقلاب و اُبّهت این انقلاب، دشمنان قدرتمند جهانی را ترساند، مرعوب کرد؛ این یک واقعیت است. آن کسانی که بر تخت قدرت مسلط بر همه‌ی دنیا نشسته بودند و همه‌ی دنیا را تهدید میکردند و از هیچ کس نمیترسیدند، یعنی قدرتمندان سرمایه‌داری غرب، در رأسشان آمریکا و بعد هم اروپا - کشورهای اروپایی واقعاً خود را در اوج قدرت و اقتدار مشاهده میکردند - و البته در آن طرف، شوروی - که آن را هم عرض خواهم کرد - همین قدرتمندانی که خود را در اوج قدرت مشاهده میکردند، با وقوع انقلاب اسلامی در کشور، تخت قدرت اینها به لرزه درآمد، دنیا برای اینها زلزله شد؛ واقعاً مرعوب شدند؛ نمیتوانستند درست تحلیل کنند که این پدیده چیست که در ایران اتفاق افتاده است. در دنیای مادی، در دنیای بی‌دینی، در دنیای بی‌اعتنائی به فضیلت‌ها، در دنیای بی‌اعتنائی به اسلام بالخصوص، در یک کشوری که همه‌ی خواسته‌های غرب را حکام آن کشور موبه‌مو دارند اجرا میکنند، ناگهان یک انقلابی درست برخلاف خواسته‌ی آنها و بر ضد اهداف مادی و شهوت‌رانی و دنیاطلبی آنها به وقوع پیوندد بر اساس اسلام، بر اساس دین، بر اساس فضیلت؛ [این] برایشان اصلاً قابل فهم نبود که جوآن‌ها بدون سلاح بیایند به میدان و در مقابل سلاح بایستند؛ هم دانشجو بیاید، هم دانش‌آموز بیاید - میدانید؛ یکی از عرصه‌های مهم مبارزات خونین این کشور، حضور دانش‌آموزان بود که در سیزدهم آبان دانش‌آموزها آمدند؛ بحث دانشجو و بحث مردان بزرگ و مانند اینها نبود؛ بچه‌های دبیرستانی و بعضاً کوچک‌تر از آنها - تا پیرمردها، تا قشرهای مختلف، در همه‌ی شهرها، در همه‌ی روستاها آمدند به میدان. این اصلاً اینها را متعجب کرده بود که این چه پدیده‌ای است که به وجود آمده؛ [لذا] مرعوب شدند. خب، هرچه گذشت، این حیرتی که اینها داشتند، تبدیل شد به مرعوب شدن بیشتر؛ یعنی هرچه زمان گذشت، خاطر اینها نه فقط آسوده نشد، بلکه مشکلاتشان، نگرانی‌هایشان، دغدغه‌هایشان افزوده شد؛ چرا؟ برای خاطر اینکه دیدند این انقلاب در بین ملت‌های مسلمان در همه‌ی دنیا مورد استقبال قرار گرفت؛ در کشورهایی که رؤسای آن کشورها وابسته‌ی به آمریکا بودند، ملت‌ها در همان کشورها به نفع انقلاب اسلامی شعار دادند. سال ۵۸ و ۵۹ در اول انقلاب، تقریباً در همه‌ی کشورهای اسلامی به نفع انقلاب اسلامی حرف زدند و شعار دادند و خطبه خواندند و مقاله منتشر کردند. این [پدیده] اینها را واقعاً متوحّش کرد؛ دیدند ایران که از دستشان رفت - [قبلاً] بر ایران مسلط بودند - بیم این هست که تسلط فرهنگ انقلاب بر ملت‌ها، [شیوع آن] در میان ملت‌های مسلمان موجب بشود که سایر کشورهای اسلامی و سایر دولتهای اسلامی هم از دستشان برود؛ لذا درصدد برآمدند به هر قیمتی هست این انقلاب را نابود کنند؛ جنگ رژیم بعثی صدام علیه ایران از اینجا شروع شد.

صدام یک شخصیتی بود که آنها میدانستند - یعنی [او را] می‌شناختند؛ شخصیت‌های سیاسی را می‌شناسند - زمینه‌ی یک حرکت خودخواهانه و متکبرانه و ظالمانه در این آدم وجود داشت؛ به طور طبیعی آدم متعزّص متجاوزی بود. در هنگام انقلاب هم صدام رئیس‌جمهور عراق نبود، رئیس‌جمهور عراق فرد دیگری بود - احمد حسن البکر بود - [اما] جوری ترتیب دادند که او برود کنار و این بشود رئیس‌جمهور عراق تا وادارش کنند، تشویقش کنند، تهییجش کنند برای اینکه حمله‌ی نظامی به ایران بکند. حمله‌ی نظامی به ایران [هم] اول به بهانه‌ی این بود - یعنی این جور میگفتند و شعار میدادند - که میخواهند مناطق نفت‌خیز را از ایران جدا کنند و به عراق متصل کنند؛ اینها [فقط] حرف بود؛ بحث مناطق نفت‌خیز نبود؛ بحث اصل حکومت بود، اصل انقلاب بود؛ میخواستند انقلاب را نابود کنند. آمریکا و اروپای قدرتمند - حالا کشورهای درجه‌ی دو و سه‌ی اروپا اهمیت‌ی نداشتند اما اروپای اصلی یعنی انگلیس، یعنی فرانسه، یعنی آلمان، یعنی ایتالیا، این کشورهایی که در اروپا موقعیتی داشتند، توانایی‌ای داشتند - یکسره همه



پشت سر صدام قرار گرفتند و هرچه توانستند به او کمک کردند ؛ هرچه توانستند کمک کردند!

www.leader.ir

لشکرهای رژیم صدام در اوّل جنگ، لشکرهای معدودی بودند، امکاناتشان هم امکانات متعارف بود [اما] با گذشت زمان - هر چه زمان گذشت، شش ماه گذشت، یک سال گذشت، دو سال گذشت - روز به روز به این امکانات افزوده شد. خب جنگ امکانات را از بین میبرد، ما مثلاً اوّل جنگ یک مقدار تانک داشتیم، بعد بعضی‌اش از بین رفت ؛ فرض کنید که مقداری توپخانه داشتیم، بعضی‌اش از بین رفت ؛ مهمّات داشتیم خیلی‌هایش از بین رفت ؛ قهراً در جنگ مصرف میشود، جنگ امکانات را کم میکند ؛ هرچه جنگ پیش میرفت، امکانات رژیم بعثی چند برابر میشد ؛ چه کسی به او میداد؟ فرانسه، انگلیس، آلمان، آمریکا ؛ شوروی هم که ضدّ آمریکا بود، در این قضیه همراه آمریکا وارد میدان شد، آن هم به دلیل خاصّ خود: [چون] شوروی تعداد نسبتاً زیادی جمهوری‌های مسلمان دارد ؛ حرکت اسلامی، انقلاب اسلامی در ایران موجب میشد که آن جمهوری‌ها به فکر هویت اسلامی خودشان بیفتند ؛ دولت شوروی حاضر نبود، لذا او هم در این قضیه - در قضیه جنگ علیه ما، در قضیه مبارزه‌ی علیه ما - کنار آمریکا، دشمن دیرین خودش ایستاد. پس شد آمریکا، شوروی، ناتو - [اعضای] پیمان ناتو که اروپا و آمریکا و مانند اینها هستند - و همه‌ی قدرتهای مسلط دنیا که پشت سر صدام قرار گرفتند علیه جمهوری اسلامی، برای اینکه جمهوری اسلامی را از بین ببرند ؛ هدف این بود ؛ هدف، فتح خرمشهر یا قصر شیرین یا مانند اینها نبود، هدف این بود که بیایند ؛ کمالینکه همان اوّل کار صدام گفت که ما امروز اینجا مصاحبه میکنیم، یک هفته‌ی دیگر در تهران مصاحبه خواهیم کرد ؛ این جوری برنامه‌ریزی کرده بود. این، عامل جنگ بود ؛ یعنی جنگ تحمیلی یک توطئه‌ی عظیم بین‌المللی قدرتمندترین قدرتهای دنیا بود علیه جمهوری اسلامی تازه پدید آمده. مثل اینکه همه‌ی حیوانات وحشی بخواهند به یک انسان تنها و بی‌سلاح و بی‌دفاع حمله کنند ؛ در واقع این جوری بود.

جمهوری اسلامی، آن روز نه نیروهای مسلح منظمی داشت، نه دستگاه اطلاعاتی مرتب و منظمی داشت - اوّل انقلاب بود دیگر، همه چیز به هم ریخته بود - جمهوری اسلامی تنها چیزی که داشت، ملت باایمان و رهبر مقتداری مثل امام بزرگوار بود ؛ این تنها چیزی بود که ملت داشت. همین کشور فرانسه در وسط جنگ، پیشرفته‌ترین هواپیماها و بالگردهای خودش را داد به عراق ؛ همین کشور آلمان، موادّ شیمیایی و سمّی را در اختیار رژیم صدام گذاشت برای اینکه بتواند در جبهه‌های جنگ از موادّ شیمیایی استفاده کند.

اینهایی که امروز به اتهام مصرف موادّ شیمیایی، فلان گروه را، فلان کشور را مورد تهاجم قرار میدهند، رسماً، علناً موادّ شیمیایی را در اختیار صدام قرار دادند که او بمب شیمیایی درست کند، سلاح شیمیایی درست کند و در جبهه‌ها به کار برد و به کار برد و ما هنوز بعد از گذشت ۳۰ سال از پایان جنگ - تقریباً ۲۹ سال از پایان جنگ میگذرد - هنوز کسانی را داریم در بین رزمندگانمان و کم هم نیستند که به خاطر آلودگی‌های شیمیایی آن روز دچارند، گرفتارند، خیلی‌ها هم در این راه شهید شده‌اند. انگلیس‌ها کمک کردند، آمریکایی‌ها کمک کردند، نقشه‌های جنگی و ماهواره‌هایشان کمک کردند، همه‌ی دستگاه‌های شیطانی عالم به این شیطان بدبخت متکبر مغرور خودخواه - یعنی صدام - کمک کردند علیه جمهوری اسلامی، که این جنگ به وجود بیاید و این جنگ ادامه پیدا کند و این جنگ با پیروزی او تمام بشود. البته همه‌ی این تلاشها مثل تیری بود که به سنگ بخورد، به خاک بخورد ؛ و علی‌رغم همه‌ی آنها، هشت سال خودشان را کشتند که یک وجب از خاک جمهوری اسلامی را در اختیار بگیرند، [اما] نتوانستند ؛ در طول هشت سال، ملت ایران بر تمام این قدرتها پیروز شد. این، آن نکته‌ی اوّل ؛ عامل جنگ این بود.

اما کیفیت جنگ و نوع دفاعی که رزمندگان ما کردند در میدان جنگ. هیچ‌کدام از شما عزیزان دوره‌ی جنگ را یادتان نیست - البته بعضی از شخصیت‌ها را قاعدتاً می‌شناسید، کتابهایشان را خوانده‌اید ؛ و من توصیه میکنم بخوانید این کتابهایی را که درباره‌ی این چهره‌های عزیز و عظیم و ماندگار و در واقع استثنائی نوشته شده ؛ بخوانید



این کتابها را- نوع دفاع ما یک دفاع فوق العاده‌ای بود؛ همراه بود با عزم و اراده‌ی قوی؛ در میدانهای جنگ ما اراده و عزم و تصمیم قاطع موج میزد؛ [همراه بود] با ایمان؛ یعنی باور نسبت به حقانیت خود و بطلان دشمن؛ این خیلی مهم است. در یک میدان، آن کسی که دارد مبارزه میکند اگر دارای ایمان باشد یعنی به حقانیت خود معتقد باشد، به حقانیت این راه معتقد باشد، این به پیشرفت او کمک خواهد کرد. اگرچنانچه این ایمان، ایمان بالله باشد، ایمان به غیب باشد که دیگر فوق العاده است؛ این همان عاملی است که در صدر اسلام آن پیروزی‌ها را نصیب مسلمانها کرد. در زمان ما هم همین اتفاق افتاد. عزم بود، ایمان بود، فداکاری [بود]. نتیجه‌ی آن ایمان فداکاری است؛ یعنی برایشان جان دادن مسئله‌ی اصلی نبود؛ یعنی واقعاً آماده بودند که جانشان را در راه خدا و در راه جهاد فی سبیل الله از دست بدهند؛ فداکاری. این خاطره‌هایی که نوشته میشود، سرشار از حوادث فداکارانه است که حقیقتاً برای همه‌ی ما درس است. بنده هروقتی که میخوانم یکی از این کتابها را - زیاد هم میخوانم - حقیقتاً نسبت به آن عظمتی که در این کارها و در این فداکاری‌ها وجود دارد، احساس کوچکی میکنم در خودم.

و ابتکار؛ یکی از خصوصیات [دیگر] دفاع مقدّس، روحیه‌ی ابتکار و کارهای نو بود - که اگر ملاحظه کرده باشید، خواهید دید - از ست‌های متعارف خیلی از ارتشهای دنیا که مثلاً تجربه و آزمون هم پشت سرش هست عبور کردن، راه‌های نو را به وجود آوردن و راه‌های نو را کشف کردن. حقیقتاً این جور بود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل رزمندگان ما ابتکار بود، بعد هم توسّلات معنوی. جبهه‌ها جایی بود که انسانهای متعارف و معمولی وقتی میرفتند آنجا، حقیقتاً در وادی صفا و نورانیت عرفان وارد میشدند، [آن‌هم] به‌طور قهری! این خصوصیات رزمندگان ما بود. لذا خود این جنگ، انسان‌ساز شد. یعنی دفاع مقدّس موجب شد که هرکدام از جوانان معمولی و عادی ما - حالا یا دانش‌آموز یا دانشجو یا کاسب یا روستایی یا کارگر یا کشاورز، باسواد، بی‌سواد - که در این بوته‌ی آزمایش، بیشتر حرکت کردند و پیشرفت کردند، در مقامات انسانی و علو مرتبه‌ی انسانی بالاتر بروند.

این شخصیت‌های برجسته و مهم، همّت‌ها، خرازی‌ها، شما خیال میکنید [چگونه بودند؟] شهید همّت که واقعاً یک اسطوره است یا شهید خرازی که یک اسطوره است، جوانهای معمولی بودند؛ جنگ [بود که] اینها را تبدیل کرد به این شخصیت‌های برجسته و بزرگ و حقیقتاً ماندگار؛ [یا کسانی مانند] باکری‌ها، برونسی‌ها. استاد عبدالحسین بٹای درس‌نخوانده، در میدان جنگ در بین رزمندگان وقتی می‌ایستاد و حرف میزد - آن کسانی که پای صحبت او بوده‌اند و شنیده‌اند، [میدانند] - مثل یک حکیم، مثل یک دانای خردمند حرف میزد و قانع میکرد طرف مقابلش را؛ جنگ، انسان‌ساز است. این دفاع مقدّس با این خصوصیات که من گفتم، یک چنین انسانهایی تربیت میکند. چیت‌سازیان، یک پسر هفده هجده ساله [بود که] وارد میدان جنگ میشود، تبدیل میشود به یک چهره‌ی ماندگار، یک ستاره‌ی درخشان که از حرفهای او بنده و امثال بنده و شما و همه باید استفاده کنیم، و استفاده میکنیم. هزاران جوان از این قبیل در میدان جنگ ساخته شدند.

اینها خردمندی و تدبیر داشتند. اینکه خیال کنیم همین‌طور سرشان را پایین می‌انداختند، بی‌هوا به لشکر دشمن میزدند، نخیر، با تدبیر، خردمندانه. حرکت جوانان ما در میدان جنگ، حرکت خردمندانه و مدبّرانه بود. خردمندی و تدبیر داشتند، دلیری و شجاعت داشتند، فداکاری و عبادت هم داشتند. روز، به معنای واقعی کلمه، شیر غرنده‌ی میدان و شب، به معنای واقعی کلمه، زاهد و عابد و تضرّع‌کننده و عبادتگر؛ شیران روز، عابدان شب؛ این جوری بود.

لذا امام در یکی از آن بیانات بسیار عمیق خود بعد از یکی از فتوحات اوّل کار پیام دادند (۳) - سال ۶۰ یک فتحی شد، فتح بستان که خیلی مهم بود؛ بعد از مدّتی عقب‌نشینی و شکست‌های گوناگون، فتح بستان یک پیروزی بزرگی محسوب میشد؛ [البته این] مضمون حرف ایشان است، عبارت ایشان در کتاب هست - گفتند که فتح الفتوح، فتح فلان شهر نیست؛ فتح الفتوح، تربیت و تولید یک چنین جوانهایی است؛ این فتح الفتوح است، واقعش هم



همین است. فتح الفتوح برای یک کشور این است که جوانهای این کشور، هم خردمند باشند، هم باتدبیر باشند، هم مؤمن باشند، هم پارسا باشند، هم اهل تضرع و گریه و عبادت باشند، هم اهل ایستادگی در مقابل دشمن باشند، هم دارای بصیرت باشند که با این همه تبلیغاتی که دشمن و ایادی دشمن در همه‌ی زمانها کرده‌اند و امروز هم دارند میکنند، فریب نخورند. یک چنین جوانهایی وقتی در کشور وجود داشته باشند، آن کشور مصونیت پیدا میکند.

همین‌طور که گفتم فردای کشور شما هستید، آینده‌ی کشور شما هستید؛ شما اگر خودتان را با این خصوصیات پرورش بدهید و تربیت بکنید، کشور بزودی - نه در آینده‌های دور، در آینده‌های نزدیک - از همه جهت به اوج تعالی و تکامل میرسد؛ هم از جهت علمی، هم از جهت مادی، هم از جهت سیاسی، هم از جهت اقتصادی به اوج خواهد رسید؛ جوان این‌جور است.

هویت دفاع مقدس این است: دشمنی دشمنان قدرتمند جهانی این جنگ را به وجود آورد و عظمت و فداکاری جوانان ما این جنگ را به نفع ما تمام کرد. آنها با آن نیت جنگ را شروع کردند که انقلاب اسلامی را بکلی از بین ببرند، اینها با این روحیه وارد میدان شدند و کاری کردند که انقلاب اسلامی روزبه‌روز قوی‌تر و ریشه‌دارتر شد و نظام جمهوری اسلامی قوی‌تر شد؛ این هویت دفاع مقدس است. این هویت را باید حفظ کرد، این را باید پاسداری کرد. کار شما، حرکت راهیان نور از سراسر کشور، این چند میلیون نفری که از پیر و جوان هر سال حرکت میکنند و به این سمت میروند، در واقع یکی از جلوه‌های پاسداری از آن دوران نورانی و از این حقیقت نورانی است، یعنی حقیقت دفاع مقدس.

خب، از پیروزی انقلاب چهل سال گذشته و شماها بیشتر از ۱۸ سال و ۲۰ سال و ۲۵ سال و مانند اینها سن ندارید؛ آنها توقع داشتند و میخواستند که وقتی این نسل یعنی نسل شماها روی کار می‌آید و نوبت به شماها میرسد، از اسلام و از انقلاب هیچ خبری نباشد در این کشور، و بر سیاست این کشور، بر هویت این ملت، بر همه‌چیز این کشور، آمریکایی‌ها، قدرتمندان عالم و سرمایه‌داران صهیونیست تسلط داشته باشند؛ توقع آنها این بود؛ با این نیت مبارزه را شروع کردند، با این نیت جنگ را راه انداختند، با این نیت حملات نرم و سخت خودشان را بعد از جنگ ادامه دادند تا امروز. امروز نتیجه چه شده؟ نتیجه این شده که در میان این نسل، کسانی هستند که استعداد رشد و شکوفایی‌شان از نسل اول بیشتر است و اقتدارشان در مقابل دشمن خبیث و دشمن متعزز و متجاوز بیشتر است و بلاشک اگر آن روز جوانان ما توانستند دشمن را به عقب برانند، امروز جوانان ما بمراتب برای عقب راندن دشمن آماده‌ترند. آنها مکر کردند، آنها نقشه کشیدند و اسلام و جمهوری اسلامی و اراده‌ی الهی نقشه‌های آنها را باطل کرد، ان‌شاءالله روزبه‌روز هم بیشتر باطل خواهد کرد. جوانهای خوب! خودتان را آماده کنید.

من راجع به راهیان نور چند سفارش بکنم: اولاً همه‌ی دستگاه‌ها به نوبه‌ی خودشان به این حرکت کمک کنند؛ همه‌ی دستگاه‌های مختلف کشور که میتوانند به این حرکت کمک کنند، کمک کنند؛ البته آن‌طوری که در این گزارش بیان کردند، خب بعضی از دستگاه‌ها خیلی خوب کمک میکنند اما عقیده این است که این کار باید مورد توجه همه‌ی دستگاه‌های کشور باشد. دیگر اینکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی راهیان نور را هرچه میتوانند تقویت کنند؛ ببینند واقعاً عمق فرهنگی در این حرکت عظیم مردمی چگونه تأمین خواهد شد، آن را دنبال کنند، پیگیری کنند. سفارش دیگر درباره‌ی راویان است. کسانی که در مناطق راهیان نور برای این مسافirin و کسانی که [به آنجا] میروند روایتگر حوادث هستند، امانت را در این روایتگری به‌طور کامل رعایت کنند. بنده با مبالغه کردن و اغراق‌گویی کردن و مانند اینها مخالفم؛ هیچ لزومی ندارد ما اغراق بکنیم، آنچه اتفاق افتاده به قدر کافی شرافتمندانه و پُرانگیزه و جذاب هست و لزومی ندارد ما همین‌طور یک چیزی به آن اضافه کنیم. گاهی شنیده میشود که نقش امدادهای غیبی را به شکل عامیانه‌ای افزایش میدهند؛ خب امدادهای غیبی قطعاً وجود داشت، ما شاهد بودیم، میدانیم که امدادهای



غیبی وجود داشت، منتها امداد غیبی به شکل‌های عامیانه‌ای که گاهی اوقات تصویر میکنند نبود. خدای متعال قطعاً کمک میکند؛ خدای متعال در جنگ بدر به فرشتگان خودش امر کرد که بروید از مجاهدین فی سبیل‌الله حمایت کنید، کمک کنید، خدای متعال همه‌جا این کار را برای انسانهای مخلص میکند، اما ما در بیان این مطالب بایستی به اغراق و مبالغه و مانند اینها نیفتیم.

حوادث برجسته‌ی دوران مقدّس [باید] بیاید به کتابهای درسی؛ حوادث برجسته و مسلمی که اتفاق افتاده، منتقل بشود به کتابهای درسی تا جوانهای ما در جریان این حوادث قرار بگیرند. خب کتابهای زیادی نوشته شده؛ بعضی کتابها قطور است، مفصل است، ممکن است خیلی‌ها نخوانند؛ میتوان از اینها قطعاتی را جدا کرد و به تناسب و جا به جا اینها را در کتابهای درسی مندرج کرد.

رعایت ایمنی عزیزان مسافر هم یکی از چیزهای لازم است که بایستی مورد توجّه باشد؛ برادرانی که مسؤل هستند، به این [مسئله] توجّه کنند.

بدانید با این حرکت راهیان نور، با این انگیزه‌هایی که انسان در میدانهای مختلف، از جوانهای این کشور مشاهده میکند، دشمن در مقابل ملت ایران، همچنان که در این چهل سال نتوانسته است کاری انجام بدهد، بعد از این هم به توفیق الهی هیچ غلطی نمیتواند بکند. بله، اذیت‌هایی میکنند؛ آزار میکنند، مسائل تحریم، مسائل اقتصادی، تبلیغات گوناگون، از این کارها هست، این کارها آزار میکند ملت را اما متوقف نمیکند؛ وقتی اراده قوی است، وقتی تصمیم‌ها جدی است برای حرکت کردن، برای پیشرفت کردن، وقتی جوانها بصیرت لازم را دارند و دشمن را که در مقابل آنها است می‌شناسند، در شناخت دشمن اشتباه نمیکنند و تصمیم بر مقابله‌ی با دشمن را در خودشان ضعیف نمیکنند، دشمن نمیتواند حرکتی بکند، دشمن نمیتواند ضربه‌ای بزند، دشمن نمیتواند این حرکت عظیم را متوقف کند.

امیدواریم که ان‌شاءالله شما جوانان عزیز در آینده‌هایی که کلیدهای این کشور در دست شماها خواهد بود، بتوانید این کشور را به اوج عزّت و اقتدار برسانید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، سرتیپ بهمن کارگر (رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدّس) گزارشی ارائه کرد.

۲) پیدایش، اتفاق افتادن

۳) صحیفه‌ی امام، ج ۱۵، ص ۳۹۵